

Receiving the Role Modeling of the Islamic Revolution in the Reproduction of the Elements of Contemporary Iranian Civilization

(Based on the Thematic Analysis of the Statement of the Second Step of the Revolution)

Received: 02-01-2021

Accepted: 26-08-2021

Mohammad Jalili*

Rasul Noroozi Firooz**

(12-41)

The historical developments of contemporary Iran coincide with the new era of Islamic awakening, which has similarities with the events of the flourishing period of Islam. What has been studied in the present study is to receive the elements of civilization of the Islamic Republic of Iran and enumerate the impact of the revolution on their reproduction. These elements are based on the provisions of the Supreme Leader's second step statement, emphasizing the movement of the last forty years. Also, in order to identify more comprehensive features, the researchers of the article have tried to explain the necessary features in the construction of Iranian civilization in fifteen studied features. Finally, these characteristics are summarized in five sections: "Historical identity, revolutionary resistance, Mahdavi ideal, inner prosperity, and spiritual culture." Sterling's descriptive-analytical approach and method of thematic analysis is a systematization of its tables and scientific tools. Also, research resources are based on library research of related works. The result is that the emergence of the Islamic Revolution of Iran by influencing the production or strengthening of components such as "history and land and language, politics and government and security, thought and myth and ideal, science and development, religion and culture and media and family", It has been able to play a positive role in this regard so that the civilizing capacities of the Islamic world can be realized in a tangible way.

Keywords: Islamic Civilization, Second Step Statement, Islamic Revolution of Iran, Islamic World.

* PhD Student in Political Science, Iran Studies, Faculty of Islamic Education and Political Science, Imam Sadegh University, Tehran, Iran (Corresponding Author): jalilipv@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Islamic Civilization, Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran: r.noroozi@isca.ac.ir.



دریافت نقش آفرینی انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی ایران معاصر (مبثنی بر تحلیل مضمونی بیانیه گام دوم انقلاب)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۴

* محمد جلیلی

** رسول نوروزی فیروز

(۱۲-۴۱)

چکیده

تحولات تاریخی ایران معاصر، مصادف با عصر نوین بیداری اسلامی است که شباهت‌هایی با حوادث دوران شکوفایی اسلام دارد. آنچه در پژوهش حاضر بررسی شده، دریافت عناصر تمدنی جمهوری اسلامی ایران و برشماری تأثیر انقلاب در بازتولید آنهاست. این عناصر مبثنی بر مفاد بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری و با تأکید بر حرکت چهل ساله اخیر به نگارش درآمده است. همچنین، پژوهشگران مقاله در راستای شناسایی خصوصیات شامل‌تر کوشیده‌اند تا ویژگی‌های لازم در ساخت تمدنی ایران را در پانزده خصوصیت تحصیل شده تبیین کنند. درنهایت، این ویژگی‌ها در پنج بخش «هویت تاریخی، مقاومت انقلابی، آرمان مهدوی، شکوفایی درونی و فرهنگ معنوی» تلخیص شده‌اند. رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل مضمونی استرلینگ، نظام‌بخش جدول‌ها و ابزارهای علمی آن است. همچنین، منابع پژوهش مبثنی بر تحقیقات کتابخانه‌ای آثار مرتبط است. نتیجه آنکه ظهور انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری بر تولید یا تقویت مؤلفه‌هایی چون «تاریخ و سرزمین و زبان، سیاست و حکومت و امنیت، اندیشه و اسطوره و آرمان، علم و عمران، آیین، فرهنگ، رسانه و خانواده»، توانسته

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام

صادق علیه السلام، تهران (نویسنده مسئول)، j.alilipv@gmail.com.

** استادیار گروه مطالعات تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران: r.norози@isca.ac.ir.

نقشی مثبت را در این باره ایفا کند تا ظرفیت‌های تمدنی جهان اسلام به طوری محسوس جان یابند.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی ایران، جهان اسلام.

مقدمه

مطالعه آثار تاریخ کهن ایران زمین به آنان که در صدد کشف ملل بزرگ جهان اند، به وضوح نشان می‌دهد که از ماوراءالنهر تا مدیترانه و از خلیج فارس تا قفقاز، هزاران سال ملتی زیسته که از تمدن‌های بزرگ تاریخی و نخستین امپراتوری‌های بشری بوده است. این منطقه پرحادثه در اعصار گوناگون تحولاتی شگرف و فرازونشیب‌های بسیاری را از سر گذرانیده که از تحمل تیغ جهان‌گشایی اسکندر و تیمور و هجوم سراسری اعراب و مغولان تا توطئه‌های استعماری دول غربی را شامل شده است، اما همچنان به حیات هویتی خود در یک سوم از گستره تاریخی‌اش ادامه می‌دهد؛ ایرانی که با تماشای تغییر حاکمیت‌ها و تجزیه ابعاد سرزمینی خویش، به تدریج از تکاملی فرهنگی و شخصیتی آزموده برخوردار شده که گویی دیگر وقوع زلزله‌ها، جوهر درونی‌اش را متزلزل نمی‌سازد. شکوه سلسله هخامنشی ایران جز در اوایل سلطنت ساسانیان و اواسط دوره صفوی به انسجام و اقتداری شایسته نرسید تا در تراز قدرت‌های تمدنی دنیا، بی‌بدیل دانسته شود؛ ولی با گذشت پنج قرن سرگشتگی، خاتمه تجاوز روس و انگلیس به مرزهای سرزمینی و آغاز کشمکش‌های مشروطه‌خواهی - ملی‌گرایی، تحولاتی را شاهد بود که در نهایت به وقوع انقلاب اسلامی در اواخر قرن بیستم انجامید؛ انقلابی که اسلام‌گرایی شاخصه بارز آن و استقلال‌خواهی از استکبار و آزادمنشی از استبداد درون‌مایه اصلی‌اش را تشکیل داده است.

امروز با بهره‌مندی از تجربه چهل‌ساله انقلاب اسلامی و دریافت نتایج برهم‌زدن ژئوپلیتیک منطقه‌ای در مقابل قدرت‌های جهانی، می‌توان آن عناصر تمدنی را که در بقا و رشد این حاکمیت مؤثر بوده‌اند، به تحقیق شمارش کرد؛ خصوصیات بارزی که به‌رغم تحمل تجاوز نظامی، خیانت سیاسی، تحریم اقتصادی و تهاجم فرهنگی، از شخصیت آرمانی انقلاب و برد جهانی آن صیانت کرده‌اند. پس، با بررسی چگونگی ایستایی جمهوری

اسلامی در زیر فشارهای بین‌المللی و گذر از چالش‌های داخلی، می‌توان تأثیر انقلاب بر بازتولید تمدنی اسلام را ذیل مؤلفه‌های تمدنی ایران راستی‌آزمایی کرد. بنابراین، آنچه در این پژوهش به‌عنوان مسئله تلقی می‌شود، کشف و بررسی عناصر قوام‌بخش تمدن ایرانی اسلامی است که انقلاب ۵۷ ایران در بازتولید و تقویت آنان نقش‌آفرین بوده است.

بیانیه گام دوم انقلاب نیز که در تاریخ ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷ از سوی رهبر انقلاب اسلامی قرائت شد، بیانگر پانزده ویژگی درونی بود که می‌توان آنان را در قالب وجوه تمدن‌ساز ملت ایران نگریست؛ خصوصیات که علاوه بر ایجاد نهضتی فراگیر در جهت تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی، به مقدمه‌سازی برای دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، امید بسته است.

هدف پژوهش آن است که ضمن بررسی عناصر تمدنی ایران، سنخیت ظرفیت‌های درونی را با ساخت تمدنی آن بسنجد؛ تلاشی که علاوه بر واریسی قابلیت‌های تمدن‌ساز تاریخ ایران و اسلام، قصد دارد درباره بخشی از دستاوردهای انقلاب ۵۷ در بازتولید عناصر تمدنی قضاوت کند.

در ضرورت پژوهش ذکر می‌شود که بدون ارزیابی تاریخی که بر ما گذشته، نمی‌توان آینده روشنی ترسیم کرد. آنچه حرکت تمدن اسلامی را در ریل اصلی خود حفظ می‌کند، سنجش منصفانه ظرفیت‌های درونی و درک چگونگی بهره‌زایی از این داشته‌هاست. از این منظر، تحقیق پیش‌رو، ارزیابی خزانه درونی را در ابعاد تمدنی آن برگزیده تا حرکت عمومی را با غایت مطلوب آن، هماهنگ کند. در فرضیه تحقیق، تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بازتولید عناصر تمدنی این سرزمین مثبت دیده شده و معدل رفتاری آن در انسجام و حیات‌بخشی تمدنی جهان اسلام، صادق است.

در پیشینه تحقیق، به کتاب گام تمدن‌ساز از سیدمحمدحسین راجی در سال ۱۳۹۸ می‌رسیم که با نگاه آماری به اثبات توسعه و پیشرفت ملی پس از انقلاب پرداخته است. مقاله «ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران در بازسازی تمدن اسلامی در قالب نظریه سیستمی» از محمدجواد هراتی در سال ۱۳۹۵ نیز با روش مطالعه سیستمی به سه مؤلفه تمدنی در انقلاب اسلامی پرداخته است. مقاله «افق مهدوی و تکمیل چشم‌انداز تمدن

زمینه‌ساز در آینده ایران اسلامی» از ابوذر مظاهری مقدم در سال ۱۳۹۵، با نگاهی اجمالی از بُعد مهدویت، رسالت انقلاب را بررسی می‌کند. همچنین، مقاله «شناسایی تجربیات موفق نظام جمهوری اسلامی ایران در نیل به تمدن نوین اسلامی» از علی خزایی در سال ۱۳۹۷، با استمداد از مصاحبه، از موفقیت نظام در نهادسازی با نگاه تمدنی می‌پرسد.

در یکایک موارد مذکور، محور اصلی، نه کشف و بررسی مؤلفه‌های تمدنی ایران اسلامی و نه سنجش تأثیر انقلاب بر بازتولید آن است. پس، نیاز به پژوهشی است که با کشف تصویر کلی، ساختار تمدنی ایران را در ساحت انقلاب ۱۳۵۷ دریافت کند.

روش مورد استفاده در تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و جدول‌های آن با تحلیل مضمون شبکه‌ای استرلینگ^۱ سازمان یافته‌اند (Attride-Stirling, 2001: 385-405). این روش برای درک بهتر اطلاعات کیفی از طریق جمع‌آوری اطلاعات و کدگذاری آنها می‌کوشد که به مضامین پایه‌ای برسد. بنابراین، در سه مرحله، مضامین مرتبط با هم را تحت عناوینی نو تا سه بار جمع می‌کند؛ تا آنجا که از مدل پایه به فراگیر و از آن به مضمون نهایی برسیم. این روش از سه گام جمع‌آوری، بررسی و ادغام، و شش مرحله کدگذاری، شناخت مضامین، ساخت مضامین، نام‌گذاری، تلخیص و الگوسازی شبکه مضمونی تشکیل می‌شود تا در نهایت از شاخه‌های مرتبط یک تنه اصلی بسازد. منابع تحقیق نیز کتاب‌ها و مقاله‌های معطوف به حوزه تمدنی و تمدن ایرانی-اسلامی است که اسامی بخشی از آنان در انتهای تحقیق آمده است.

تمدن و مفاهیم آن

اصطلاح تمدن^۲ نخستین بار در سال ۱۸۳۵ میلادی در واژه‌نامه رسمی فرانسوی به کار رفت، و به معنای شهرنشینی و خو گرفتن به اخلاق شهری در عین تعاون افراد جامعه با یکدیگر برای انجام امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. برخلاف فرهنگ که در تلاش معنوی و یکتانگری انسان‌هاست، تمدن بر وجه مادی و یکتاسازی آن تکیه دارد. لغت‌نامه آکسفورد

1. Attride Stirling.

2. civilization.

تمدن را مرحله توسعه سازمان اجتماعی بشر می‌نامد و دانشنامه امریکایی^۱ غایتش را برخوردار از دانش، تکنیک و توانایی صنعتی می‌داند (کرمانی، ۱۳۷۸: ۱۰۸-۱۰۶).

ویل دورانت در بیان شاخصه‌های اصلی تمدن، شرایط جغرافیایی، نظم سیاسی، وحدت زبانی، قانون اخلاقی، معیار تجاری و بهداشت روانی را برمی‌شمارد (دورانت، ۱۳۷۸: ۷-۳).

اسپنسر^۲ آغاز تمدن را از پایان ناامنی نوید می‌دهد. توین‌بی^۳ آن را حاصل نوآوری اقلیت مبتکر در سبک زندگی پایدار می‌داند و داوسن^۴ شاخصه‌اش را عنصر مذهبی ذکر کرده است. همچنین، هانتینگتون تمدن را مرحله‌ای می‌فهمد که هویت فرهنگی در بالاترین رده قرار گیرد (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۴۷) علامه جعفری تصویر تمدن را تشکلی هماهنگ، حیاتی معقول و روابطی عادلانه در نظامی اجتماعی توصیف می‌کند که اهداف بشری را در ابعاد مثبت آن میسر سازد (جعفری تبریزی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۲۳ و ۱۶۱). شهید مطهری آن را محصول نهایی تجارب زیسته بشری می‌داند (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۶). آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌الله فضای مطلوبی را که رشد مادی و معنوی انسان را برای رساندن وی به غایت الهی اش تسهیل کند، و دکتر ولایتی خروج از مناسبات بادیه‌نشینی، نهادینه‌سازی امور اجتماعی و به تشبیه ابن خلدون، عمران را آیت تمدن عنوان می‌کنند (ولایتی، ۱۳۸۲: ۳۲) تمدن از نگاه نویسنده نیز عبارت است از عناصر فرهنگی-ارتباطی، سیاسی-امنیتی، علمی-عمرانی و ارزشی-اسطوره‌ای یک ملت در جغرافیایی خاص که حیاتی تاریخی داشته باشد.

تاریخ و پیشینه تمدنی ایران

ایران منطقه‌ای وسیع در جنوب غرب آسیا با تمدنی هفت‌هزارساله است. نژاد ایرانیان هندی-اروپایی است و به مادها و پارس‌هایی می‌رسد که منشعب از آریاییان خاوری‌اند و از جلگه‌های روسیه به کوه‌های البرز آمده‌اند. نخستین و وسیع‌ترین امپراتوری جهان متعلق به شاهان ایرانی هخامنشی است که هفت‌صد سال پیش از میلاد مسیح سامی‌ها، هیتی‌ها، یونانیان و مصریان از

1. *The Encyclopedia America.*

2. Herbert Spencer (1820-1903).

3. Arnold J. Toynbee (1889-1975).

4. Christopher Dawson (1889-1970).

اتباعشان محسوب می شدند (لوکاس، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۶۵). ایرانیان در امپراتوری فدراتیو خود از غرب چین تا شرق اروپا و از جنوب روسیه تا شمال آفریقا را به یاری اسبان تیزرو، لشکریان منظم و شبکه گسترده ارتباطی که ساخته بودند از هگمتانه، پاسارگاد، شوش و تخت جمشید رهبری می کردند. در علم و فناوری آنان همین بس که داریوش اول ۲۶۰۰ سال قبل، دستور حفر کانال سوئز، ترسیم نخستین نقشه های جغرافیایی، احداث اولین خطوط پستی و درج نخستین قوانین اجتماعی را صادر کرد (Arberry, 1953).

ابداع آبرسانی زیرزمینی، تأسیس شبکه فاضلاب شهری و حتی واژگانی چون امپراتور^۱ و سنا^۲ برگرفته از نام شاهنشاه و خانه بزرگان پارسی است (Wilkinson, 1975: 98). تنظیم آیین کشورداری، ابتکار مرزداری، ایده دمکراسی، هنر معماری و علوم و فناوری های صنعتی، متعلق به ایرانیان بوده که بعدها با یورش اسکندر به غرب انتقال یافته است. حتی نیچه به شکل گیری فلسفه یونان از اندیشه های ایرانیان اذعان دارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۱۲۷)؛ تمدنی شگرف که شکوه معماری اش مایه تقلید از آن در آکروپولیس تا مساجد مسلمانان شد.

حکومت ایرانی به حدود چهل ساتراپی (شهربانی) تقسیم می شد و از ماوراءالنهر و سند تا مصر و قبرس خراج حکومتی داشت، و شاهان پارسی یگانه قانون گذار و حافظ مذاهب اقوامش بودند (Louis, 1979: 74).

این مسیر ادامه یافت تا زمانی که خشایارشان با فساد و استبداد خود، داریوش سوم را به تیغ اسکندر دادند و حکومت پارس را به انقراض سپردند.

با طلوع اسلام، عنصری ایمانی پدیدار شد که زمینه وحدت ملل این منطقه را فراهم کرد. اسلام به نژاد و قومی خاص تعلق نداشت و همه گروه ها را ذیل آیین توحیدی اش گرد آورده بود (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۳۱). اشتراک در یکتاپرستی، حق جوایی و ظلم ستیزی، آزادمردی و عدالت طلبی و تأکید بر اخلاق و برادری از عواملی بود که ایرانیان را به هویت پذیری اسلام مجاب کرد. به عقیده سید قطب، آنچه زمینه ساز این وحدت شد، مضاف بر دوگانگی خیر و

1. Emperor.

2. Senate.

شر، ایمانی بود که در روح خاورمیانه جریان داشت (سید قطب، ۱۳۷۸: ۷). این تلاقی آن‌قدر زاینده شد که لوبون ایرانیان به اسلام گرویده را در فلسفه، ادب، تاریخ، ریاضی، هیئت، جغرافی، طبیعیات، طب، نقاشی، فرش بافی و صنایع مستظرفه سرآمد قرون متمادی دانست و مساجد قدیم همدان، شاه اصفهان و اهل سنت تبریز، و گنبد سلطانیه و مقبره تیمور در سمرقند را گواه خود نامید (لوبون، ۱۳۹۴: ۷۱۲-۲۳۳). حلول روح اسلام در کالبد ایرانیان، مردانی ساخت که در تجارت، دریانوردی، اداره حکومت‌های عباسی و خوارزمشاهی و صدور اسلام به یمن، افریقای شمالی، مغرب و آسیای شرقی، پیش‌قراول بودند (مطهری، ۱۳۸۹: ۷۴-۳۴۵).

از سده دهم هجری، دوران اعتلای سیاسی و اتحاد اجتماعی تمدن ایرانی با روی کار آمدن شخصیت‌هایی چون خواجه رشیدالدین، شاه‌عباس و نادرشاه و با دفع تجاوز عثمانیان، به اصفهان آوردن پایتخت و به رسمیت شناختن مذهب شیعه و زبان فارسی، فرارسید. صفویان توانستند با احیای مرزهای پیش از اسلام، صدور تمدنشان به هند گورکانی و تربیت لشکری‌ده‌هازارنفری از دانشمندان روحانی، صنعتگران هنرمند و ارتشپانی مقتدر، تاریخی بسازند که تا مدرنیزاسیون، مایه فخر جهانی شود (دورانت، ۱۳۹۱: ۷۷۸-۱۲۱).

با سقوط صفوی، مایه‌های خودباوری و جهادگری، اخلاق‌مداری و معارف و حیانی، آزاداندیشی و علم‌جویی، استقلال‌طلبی و مسئولیت‌پذیری یا مهم‌ترین آرمان‌های تمدنی ایران، رو به افول نهاد، تا آنکه پس از سه قرن، با تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی، نشانه‌هایی از بازتولید هویت تمدنی ایرانیان مسلمان آشکار شد (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹-۳۲).

با درک مفهوم تمدن و پیشینه تمدنی ایران، به پانزده ویژگی انقلاب اسلامی ایران در حرکت به سوی تمدن‌سازی نوین از منظر بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری می‌پردازیم تا تأثیر وقوع انقلاب بر بازآفرینی یا تقویت این چند مؤلفه را به طور کیفی بیازماییم (بیانیه گام دوم انقلاب):

اول. حفظ امنیت، ثبات و تمامیت ارضی؛

دوم. مقاومت اسلامی و تشکیل ائتلاف دفاعی منطقه‌ای ضد استکباری؛

سوم. مشارکت سیاسی، تعاون و خدمت‌رسانی اجتماعی؛
چهارم. رشد آگاهی اجتماعی، تحلیل جنایات بین‌المللی و دفاع از مظلومان؛
پنجم. عدالت توزیعی، گسترش امکانات عمومی و الگوسازی حکومت و ولایت
علوی؛

ششم. پیگیری آرمان مهدویت و ایجاد تمدن نوین اسلامی؛
هفتم. تبدیل ایرانیان به نماد استقلال و آزادی و مقاومت و ایستادگی در برابر مستکبران؛
هشتم. تغییر مسیر جهان و ایجاد قطبی اسلامی در برابر هژمونی سلطه غرب؛
نهم. تقویت اخلاق و معنویت اجتماعی و مبارزه با مبلغان و مولدان مفساد؛
دهم. تحمل تهاجم فرهنگی رسانه‌ای غرب در تغییر سبک زندگی ایرانیان مسلمان؛
یازدهم. نظام‌سازی مطابق تمدن نوین اسلامی و نظریه‌پردازی سیاست انقلابی؛
دوازدهم. جای‌گزینی حکومت استبدادی سلطنتی با مردم‌سالاری دینی؛
سیزدهم. بازگشت روحیه توانایی، عزتمندی و شجاعت به ایرانیان؛
چهاردهم. توجه به ظرفیت‌های تاریخی-جغرافیایی و آزادسازی ذخایر طبیعی و انسانی؛
پانزدهم. توسعه تصاعدی دانش و فناوری و رشد خودکفایی و عمران و آبادانی کشور.
این ویژگی‌ها در تحلیل مضمونی تحقیق به پنج عنصر نهایی می‌رسند، که در ادامه ضمن
تطبیقشان با تعاریف تمدنی صاحب‌نظران، در جدول‌ها بیان می‌شوند. همچنین، در مراحل
پژوهش، عناصر پانزده‌گانه اولیه را به تفصیل بیان و بررسی خواهیم کرد تا در نهایت، نسبت
عناصر ایجابی انقلاب را بر ساخت تمدن نوین اسلامی از طریق نگرشی کیفی دریابیم.
نتیجه تحلیل مضمونی این عناصر نیز عبارت‌اند از مواردی که در ادامه می‌آیند که شیوه
تحصیل آنان در جدول‌ها آمده است:

تاریخ، سرزمین، زبان (هویت تاریخی)؛
سیاست، حکومت، امنیت (مقاومت انقلابی)؛
اندیشه، اسطوره، آرمان (آرمان مهدوی)؛
علم و عمران (شکوفایی درونی)؛
آیین، فرهنگ، رسانه و خانواده (فرهنگ معنوی).

جدول ۱: تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس پنج بخش فراگیر و

پانزده مضمون سازمان‌دهنده

تحلیل مضمون بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری				
گام	گزارش درون‌متنی بیانیه گام دوم انقلاب	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	<p>انقلاب اسلامی؛ موجب ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را ضمانت کرد، و معجزه‌ی شکست رژیم بعثی و پشتیبانان اروپایی آمریکایی‌اش را پدید آورد.</p>	رشد امنیت دفاعی و توان نظامی کشور	الف = ۱ + ۲	<p>ز احیای هویت تاریخی، زبانی و سرزمینی</p>
		تشکیل محور مقاومت اسلامی	توسعه امنیت نظامی و شبکه دفاع منطقه‌ای	
۲	<p>حمایت جمهوری اسلامی از مقاومت اسلامی، امروز مشکل غرب است که خود را محتاج یک ائتلاف بزرگ سیاسی امنیتی برای مقابله می‌بیند.</p>	توسعه مشارکت سیاسی، تعاون اجتماعی و فرهنگ سلطه‌ستیزی	ب = ۳ + ۴	<p>و + ب + الف</p>
		رشد آگاهی اجتماعی و حمایت از ملل مظلوم	توسعه مشارکت سیاسی و تعاون اجتماعی	
۳	<p>مشارکت مردم را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌ها، حضور در صحنه‌های ملی، شرکت در مسابقه خدمت‌رسانی، نیکوکاری و استکبارستیزی را به اوج رسانید.</p>	بسط عدالت اقتصادی و اندیشه ولایت علوی	ج = ۵ + ۶	<p>توسعه سیاست انقلابی و ایجاد امنیت مردمی</p>
		تمدن‌سازی نوین اسلامی در جهت آرمان مهدوی (عج)	عدالت‌جویی، ولایت محوری، مهدویت باوری	
۴	<p>بینش سیاسی مردم و آگاهی بین‌المللی، نسبت به درک و تحلیل جنایات آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت‌ها ارتقا داد.</p>	نمادسازی ملت استقلال خواه و مقاومت جو	د = ۷ + ۸	<p>نماد استقلال و مقاومت انقلابی</p>
		قطب‌سازی انقلاب اسلامی در برابر سلطه جهان غرب		
۵	<p>کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی و جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به دیگر نقاط کشور سنگین کرد. دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی با هیچ دوره دیگری قابل‌مقایسه نیست. عدالت مورد انتظار برای مدیران جهادی، پیرو حکومت علوی شناخته می‌شود.</p>			
		آرمانش، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است.		
۶	<p>نماد ایهت و شکوه و ایستادگی در برابر مستکبران و زورگویان جهانی شد. عناصر دست‌نشانده و خائن را از خود دور کرد و از سلطه دوباره به استقلال کشور جلوگیری نمود.</p>			
۷	<p>جهان دوقطبی را سه‌قطبی کرد و سپس تفابیل اسلام و استکبار؛ پدیده معاصر و کانون توجه جهانیان شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و فرعون‌های در بستر آرمیده را بیدار کرد.</p>			
۸				

د + ج	ه = ۱۰ + ۹	مبارزه دینی با مفاسد اجتماعی و اخلاق‌مداری معنوی	عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد. دفاع مقدس باروحیه ایثار و فداکاری همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را در برابر چشم‌ها نهاد. با معجزه نظام اسلامی فضاهای دینی و بسیج سازندگی رونق گرفت و لجنزارهای تبلیغاتی فساد را منزوی کرد.	۹
		تحمل تهاجم رسانه‌ای علیه فرهنگ معنوی و آئین خانوادگی	تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است.	۱۰
	و = ۱۲ + ۱۱	نظام سازی نوین و نظریه پردازی سیاست انقلابی	پس از نظام سازی به رکود و خموشی دچار نشده و از نظریه نظام انقلابی دفاع می‌کند.	۱۱
		نظام سازی انقلابی و مردم سالاری دینی	به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور به شدت تحقیر شده و عقب‌مانده فاجار و پهلوی، در مسیر پیشرفت قرار گرفت. سلطنت استبدادی را به مردم‌سالاری تبدیل و اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه است در کانون مدیریت کشور وارد کرد.	۱۲
ح	ز = ۱۴ + ۱۳	ایجاد هویت ایرانی مقتدر، مظلوم و سربلند	انقلاب اسلامی، قدرتمند، مهربان، باگذشت و مظلوم بوده و با صراحت، صداقت، شجاعت و اقتدار، مایه سربلندی ایران و ایرانی است.	۱۳
ه	ح = ۱۵	احیای ظرفیت‌های سرزمینی و هویت تاریخی	ایران با دارا بودن ۱ درصد جمعیت جهان دارای ۷ درصد از ذخایر معدنی و از نظر موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهانی است.	۱۴
		رشد علم و سازندگی	موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و زیرساخت‌های اقتصادی عمرانی شد. درخشش در رشته‌های مهم محصول آن روحیه جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. باور ما می‌توانیم را به همگان منتقل کرد.	۱۵

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بحث و تطبیق

در اینجا پس از بیان توضیحات تمدنی، فرضیه نخست خود را بررسی خواهیم کرد. بنابراین، با در نظر داشتن ویژگی‌های سرزمینی توأم با حیات فکری-عقیدتی ایرانیان، تلاش خواهیم کرد ضمن برشماری پانزده عنصر تمدنی در بیانیه گام دوم، رویکرد انقلاب اسلامی در توجه به آن عناصر شاخص و تقویت آنها را بیان کنیم. درنهایت، عناصر تبیین‌شده را در جدولی خواهیم آورد.

جدول ۲: تطبیق تحلیل مضامین فراگیر بیانیه گام دوم

با عناصر تمدن‌ساز در تعریف صاحب‌نظران

تطبیق تحلیل مضامین فراگیر (عناصر تمدن‌ساز انقلاب) در بیانیه گام دوم با عناصر تمدنی در تعریف صاحب‌نظران						
شماره	نظریه پردازان تمدن	عناصر تمدن‌سازی در تعریف آنان	شماره	مضامین فراگیر تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب اسلامی	تلخیص	تطبیق مضمون با تعاریف
۱	لغتنامه آکسفورد، فرانسه و دانشنامه آمریکایی	شهرنشینی، خو گرفتن به اخلاق شهری، تعاون اجتماعی، سیاست، اقتصاد، ساخت مادی، توسعه سازمانی، دانش، فن و صنعت	۱	احیای هویت تاریخی، زیانی و سرزمینی	هویت تاریخی	شماره ۷ و ۲، ۱
۲	ویل دورانت	شرایط جغرافیایی، نظم سیاسی، وحدت زبانی، قانون اخلاقی، معیار تجاری و بهداشت روانی				
۳	این خلدون	عمران، آبادانی و سازندگی	۲	توسعه سیاست انقلابی، ایجاد امنیت و حکومت مردمی	مقاومت انقلابی	شماره ۸ و ۴، ۲
۴	امپینسر	ایجاد امنیت				
۵	توین بی	نوآوری و خلاقیت فکری	۳	اندیشه عدالت و ولایت علوی، اسطوره مقاومت و آرمان مهدوی (هج)	آرمان مهدوی	شماره ۹ و ۸، ۶، ۲
۶	داوسن	مذهب				
۷	علامه مطهری	تحقق تجارب زیسته بشری	۴	توسعه علم و آبادانی	شکوفایی درونی	شماره ۵، ۳، ۱ ۱۰ و ۹
۸	علامه جعفری	تشکل هماهنگ، حیات معقول، روابط عادلانه، ایجاد نظم اجتماعی، اهداف مثبت بشری				
۹	آیت‌الله خامنه‌ای	فضای مطلوب برای رشد مادی و معنوی	۵	تاب‌آوری نهاجم رسانه‌ای، علیه فرهنگ، خانواده و آئین اخلاقی معنوی	فرهنگ معنوی	شماره ۹ و ۸، ۶، ۲
۱۰	دکتر ولایتی	خروج از بادیه‌نشینی، نهادسازی اجتماعی				

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با تحلیل مضمونی بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری، به پانزده عنصر ایجابی در انقلاب اسلامی ایران دست یافتیم که با حرکت به سمت تمدن‌سازی نوین اسلامی سنخیت داشتند و متناظر با تعاریف صاحب‌نظران این عرصه از عناصر درونی تمدن بودند. در اینجا برای تبیین بهتر این عناصر که در تحلیل مضمونی به پنج عنصر کلی رسیده‌اند، لازم است به طور تفصیلی کلیدواژگان اساسی آنها را بررسی کنیم تا حرکت انقلاب ۵۷ در راستای ایجاد، تقویت و تکمیل این عناصر در نگاهی کیفی ارزیابی شوند. بنابراین، در جدول پیش رو چگونگی تبدیل این اسامی به عناوین پانزده‌گانه را تبیین می‌کنیم و پس از آن، به تشریح هریک می‌پردازیم.

جدول ۳: تبدیل عناصر تحلیل مضمون شده بیانیه گام دوم به عناوین پانزده گانه

برای سنجش و تبیین کیفی

تبدیل عناصر تحلیل مضمون شده بیانیه گام دوم به عناوین ۱۵ گانه تفصیلی، جهت بررسی کیفی			
شماره	مضامین فراگیر	تبیین مضامین فراگیر در وجهی بارز	عناوینی سلیقه‌ای برای تبیین‌های ۱۵ گانه
۱	احیای هویت تاریخی، زبانی و سرزمینی	تبیین ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی - سرزمینی ایران	قلب اتصال جهان و کانون ذخایر انرژی
۲	(هویت تاریخی)	زبان فارسی به‌عنوان عامل هویت تاریخی	زبان هویت‌بخش فارسی و شعرای جهانی
۳	توسعه سیاست انقلابی، ایجاد امنیت و حکومت مردمی	بیان نظریه ولایت‌فقیه به‌عنوان شاکله سیاسی	الگوی سیاسی و تبیین نظریه ولایت‌فقیه
۴	(مقاومت انقلابی)	الگوی مردم‌سالاری دینی در نظامات حکومتی	مردم‌سالاری دینی و نظام جمهوری اسلامی
۵	اندیشه عدالت و ولایت علوی، اسطوره مقاومت و آرمان مهدری (ص)	الگوی مقاومت اسلامی در ایجاد امنیت دفاعی	نماد مقاومت جویی و خط استکبارستیزی
۶	اندیشه عدالت و ولایت علوی، اسطوره مقاومت و آرمان مهدری (عج)	استقلال اندیشگی در فقه، فلسفه و علوم انسانی	اندیشه‌های بومی و نگاه فقهی فلسفی
۷	(آرمان مهدری)	پیگیری آرمان عدالت، آزادی و اخلاق‌مداری	اسطوره‌های ملی و قهرمانان مذهبی
۸	توسعه علم و آبادانی (شکوفایی درونی)	توجه به رشد علم و فناوری و ارتقای دانش ملی	آرمان عدالت و اخلاق آزادگی
۹	تحول در خودکفایی اقتصادی و آبادانی کشور	جهاد خودکفایی و نهضت سازندگی	تصاعد علمی و توسعه فناوری
۱۰	تاب‌آوری، تهاجم رسانه‌ای، علیه فرهنگ، خانواده و آئین اخلاقی معنوی (فرهنگ معنوی)	زیست معنوی ایران و حیات اخلاقی امامان(ع)	دیار یکتاپرستان و تکریم حیات امامان
۱۱		معماری، فرش و موسیقی، تجلی فرهنگ ملی	شکوه معماری فرش‌ها و موسیقی رنگ‌ها
۱۲		تقویت رسانه تمدنی و مقابله با تهاجم فرهنگی	ساخت رسانه انسانی و سینمای وجدانی
۱۳		صیانت از خانواده و اصلاح نگاه به زنان	تکریم نقش زنان و خانواده محوری

(منبع: یافته‌های پژوهش)

تاریخ، سرزمین، زبان (هویت تاریخی)

قلب اتصال جهان و کانون ذخایر انرژی

ایران در جغرافیایی واقع شده که پل اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است. اسپایکمن^۱ عقیده داشت: هارت‌لند جهان و سرزمین مرکب از قدرت‌های بری و بحری سیستان تا آذربایجان، ایران است. لوهازن^۲ نیز خلیج فارس را کانون مرکزی خطوط خشکی جهان نامید (Blacksell, 2006: 140). این منطقه دربردارنده جاده ابریشم، شاهراه سلاطین بزرگ و

1. Nicholas J. Spykman (1893-1943).

2. Bourdis fon Lohazen.

مسیر کاروان‌سراهای تجاری میان غرب و شرق است (میرحیدر، ۱۳۴۳: ۱۰۰) و به یمن ۲۰۵۰ کیلومتر سواحل متصل به اقیانوس آزاد، ۹۵ درصد صادرات و ۸۵ درصد وارداتش، از دریای جنوب انجام می‌شود. همچنین، دسترسی به ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و آناتولی و محرومیت افغانستان و عراق از دریا، فرصت بزرگ اقتصادی این کشور است. تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز، همسایگی با قدرت‌های منطقه‌ای، تجاری و گردشگری چون ترکیه، عربستان، پاکستان، امارات و قطر، واقع شدن در کانون ترانزیت زمینی-هوایی و ایستادن بر معادن و سرزمین چهارفصل سوق‌الجیشی طلایی ایران است. جمعیت هشتاد و پنج میلیون نفری، مساحت یک و شصت و پنج صدم میلیون کیلومتر مربعی و جغرافیایی که از نگاه کمپ،^۱ کانون تجمع انرژی دنیا و لبه خونین تصادم تمدن‌ها تلقی می‌شود (نصر، ۱۳۷۴: ۱۲۶)، همه امتیازات ایران است. همچنین، در جهانی که شصت درصد از سوخت مورد نیاز توسعه وابسته به هیدروکربن‌هاست، هفتاد درصد نفت و چهل درصد گاز جهان در منطقه تمدنی ایران قرار گرفته است. به عبارت بهتر، ایرانی که دارای ۱۴۰ میلیارد بشکه نفت و ۳۵ تریلیون مترمکعب گاز است، غنی‌ترین خزانه انرژی دنیا و بمبی از فرصت‌های توسعه یا تهدیدات امنیتی است.

پایان پهلوی با ایده ایجاد حکومت اسلامی، مزیت‌های منطقه‌ای ایران را دوچندان کرد؛ آن‌چنان که فولر ایران پساانقلاب را قبله عالم نامید (فولر، ۱۳۷۳) و توال پدیداری مفهوم ژئوپلیتیک شیعه را مرهون انقلاب مردی به نام خمینی^۲ دانست (توال، ۱۳۸۲: ۵۷). برژینسکی^۲ نیز مثلث خاورمیانه را کانون حیات راهبردی امریکا و جمهوری اسلامی را قلب آن تلقی کرد (گل‌افروز، ۱۳۹۴: ۲۱۴-۲۰۸)؛

سرزمین آیین باستانی و سنت‌های دینی

تقویم جلالی ایرانیان اقتباسی از گاه‌شمار اوستایی-یزدگردی و دقیق‌ترین تقویم نجومی دنیاست؛ ثانیه‌شماری که مرهون نبوغ ریاضی‌دانانی چون خیام و خازنی در دوران سلجوقی

1. Jeffrey Camp.

2. Zbigniew Brzezinski (1928-2017).

است و برای تدوینش، کیسه‌های ۲۸۲۰ سال آینده نیز محاسبه شده است (نبی، ۱۳۶۱: ۷۳۸-۷۰۸).

از مراسم زنده باستانی ایرانیان می‌توان به نوروز اشاره کرد که سال دینی زرتشتیان و موسم شکوفایی است. به عقیده علامه مجلسی در زاد المعاد، نوروز موعد خلقت آدم علیه السلام، بعثت نبی صلی الله علیه و آله، وصایت علی علیه السلام، ظهور مهدی علیه السلام و مرضی امام صادق علیه السلام است. جشن دیگان یا شب یلدا که آیین کریسمس از آن اقتباس شده، دیگر مراسمی است که تولد خورشید در طولانی‌ترین شب را پاس می‌دارد. جشن پاکی یا چهارشنبه‌سوری نیز یادآور عبور سیاوش از آتش و راندن پلیدی از روح است. همچنین، مراسم سیاوشان، جشن مهرگان و تیرگان، قیام هوشیدر، کوسه برنشین و مغ‌کشی از دیگر آیین‌های منسوخ باستانی ماست (افشاری اصل، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۱). از مراسم سالیانه دوران اسلامی نیز می‌توان به مناسک حج و رمضان، سوگواری عاشورا و فاطمیه، اعمال عرفه و اربعین، احیای شب قدر و آرزوها، ایام البیض و اعتکاف و جشن‌های فطر، قربان، وحدت، بعثت، ولایت و امامت اشاره کرد. انقلاب نیز سالروز قیام پانزده خرداد و نوزدهم دی، دهه فجر، جشن پیروزی انقلاب و راه‌پیمایی قدس را که در بازشناسی جذابیت‌های ملی-آیینی حائز اهمیت اند بزرگ داشته است.

زبان هویت‌بخش فارسی و شعرای جهانی

سوسور^۱ زبان را ساختی اجتماعی و محور نظام ارتباطی دانست و لیال واتسن^۲ آن را صدای فرهنگ محیطی نامید. پیشینه زبان کهن فارسی به تاریخ هخامنشی می‌رسد که در زبان‌شناسی به گویش «پارسیک» مشهور بوده است. فارسی میانه-پهلوی نیز در عهد ساسانیان به کار می‌رفته است، که با ظهور اسلام، ایرانیان رسم الخط عربی را با حفظ واژگان خود جای‌گزین پهلوی کردند.

از ویژگی‌های این زبان زیبایی آهنگ و دلاویزی واژگان معتدل آن است که فارسی را تبدیل به شیرین‌ترین زبان جهان می‌کند. فارسی، نه مثل عربی، حروف غلیظ حلقی دارد و

1. Ferdinand de Saussure (1857-1913).

2. Lyall Watson (1939-2008).

نه مثل اسپانیولی، آلمانی و فرانسوی، «ر-ب»، «ش-چ» و «ق-س» درشتی که مستمع را بیازارد. فارسی از معدود زبان‌هایی است که پس از ۱۱۰۰ سال، می‌شود رودکی‌اش را خواند و فهمید و با بوستان سعدی، اصالتش را پاس داشت.

کمپفر^۱ در سه قرن گذشته بیان می‌کند که از دربار امرای عرب و ترک در غرب تا رود گنگ و شهر سیام در شرق، به مردمی برخوردیم که در رفع احتیاجات خود بدون اشکال، به فارسی سخن می‌گفتند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۶۷). هند تا پیش از استعمار انگلستان، یعنی سال ۱۸۵۷، تا پانصد سال زبان رسمی و محاوره‌اش فارسی بود؛ آن‌چنان‌که شصت درصد نسخ خطی کتابخانه‌ها و ۶ هزار واژه در محاوره امروز آن، فارسی است (جعفری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۰۵).

ظرفیت ادبی-عرفانی این زبان آن‌قدر غنی است که تنها از قرن سوم تا دهم هجری چهارصد شاعر پرورنده و شعرای ممتازی چون فردوسی، خیام، سعدی، مولوی و حافظ را جهانی کرده است. تأثیر تاریخی شعر پارسی آن‌قدر بوده که لانگلس شاهنامه را هم‌وزن آثار هومر دانست که ترجمه از غنایش نمی‌کاهد؛ مترلینگ نمایشنامه «پلئاس و ملیزاند» را از شاهنامه گرفت؛ گوته خود را مرید حافظ خواند و دنیای ایرانی را تریاکی برای التیام روح خود نامید؛ نیچه حافظ را معماری عنوان داشت که با شراب زبانی‌اش کاخی از خردمندی بنا کرده است و گوته دیوان شرقی را با الهام از او نوشت؛ رنان سعدی را وجودی از خود نامید؛ و دونوآی گفت ای کاش من نیز آن دخترکی بودم که در کوچه‌باغ‌های اصفهان، غرق رؤیایی ناپیداست (حاج‌سیدجوادی، ۱۳۴۹: ۸-۳).

سیاست، حکومت، امنیت (مقاومت انقلابی)

الگوی سیاسی و تبیین نظریه ولایت فقیه

در فقه و کلام شیعی، از شیخ طوسی تا شیخ انصاری، پشتوانه مشروعیت حکومتی اجازه و اشراف ولی فقیه است؛ چراکه هیچ انسانی حق تحکم بر دیگری را ندارد، جز آنکه مأذون از جانب خدا و برگزیدگانش باشد. برای هزار سال، علما بر سر حدود و ثغور نائب عام معصوم

1. Engelbert Kaempfer (1651-1716).

بحث کرده و اقل اختیارات وی را در انجام امور حسبه، قضاوت و اجرای حدود دانسته‌اند. ارتباط با دنیای جدید غرب ذهن فقها را با اقتضانات جهان مدرن آشنا کرد تا مسائلی چون تصادم اخلاق و قانون، مشروعیت و رأی اکثریت، نحوه توزیع و تمرکز قدرت و پیچیدگی‌های اقتصاد و سیاست در روابط بین‌الملل را بهتر دریابند. آنان در گذشته به ولایت مقیده یا وجود دولتی دینی در دولتی سیاسی ملتزم بودند تا آنکه میرزای نائینی و شیخ فضل‌الله نوری به ایده سلطنت مشروطه و مشروطه مشروع رسیدند. اما آیت‌الله خمینی^ع با انتشار کتاب کشف الاسرار و تبعید به نجف، در سال ۱۳۴۸ ذیل دروس بیع خود، ولایت مطلقه فقیه را مطرح ساختند تا اندیشه علمای اسلام را به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی جلب کنند (کلانتری و بلباسی، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۰۳). ایشان صرف تصور عقلانی مسئله را منجر به تصدیق آن دانستند و ولایت مطلقه فقیه را مقدم بر همه احکام فرعی چون نماز و روزه و حج برشمردند. به تأکید امام^ع، اختیارات ولی فقیه همان اختیارات پیامبر^ص در اداره مسلمانان است. ایشان فقیه عادل باتدبیر را منصوب الهی نامیدند و کشف او را برعهده خیرگان مردم نهادند، که ارتکاب معصیتی کبیره یا تکرار گناهی صغیره، ولایت وی را ساقط می‌کند. ولی فقیه نیز مادامی که دارای این صفات باشد، حاکم است؛ و این همان ایده بزرگی بود که انقلاب اسلامی را در کانون توجهات قرار داد (رشادتی، ۱۳۸۶: ۱۸-۴).

مردم‌سالاری دینی و نظام جمهوری اسلامی

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، اعلان نظر متخصصان و برگزاری فرماندوم عمومی، مدل اجرایی حکومت اسلامی در فرم جمهوریت قرار گرفت تا اصطلاحی به نام مردم‌سالاری دینی خلق شود. این ساختار نوین که دمکراسی را در چهارچوب اصول شریعت و در الگوی جامعه مسلمانان قرار می‌داد، خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فردی در نحوه اداره سیاسی انقلاب ایجاد می‌کرد که به‌رغم رأی نودونه‌درصدی، بعدها منتقدانی را برانگیخت. از طرفی، رأی عمومی یا مصوبات نمایندگان مجلس در آنجا که مخالف با شریعت اسلام باشد، توسط شورای نگهبان و تو می‌شود و از طرف دیگر، رأی شورای نگهبان نیز زمانی که مقابل مصالح ملی تلقی شود، به وسیله مجمع تشخیص مصلحت لغو می‌شود.

رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام اجرایی کشور است و قوای مقننه و قضائیه از دولت جدایند و رهبر ناظر بر سیاست‌های کلان، تبیین مبانی راهبردی نظام و ایجاد وحدت در میان قواست. این مدل علاوه بر توزیع قدرت، نفوذ رهبر را در چهارچوب نظارت خبرگان حفظ می‌کند و مسئولیت نقد و انتخاب مستقیم یا باواسطه مسئولان را به مردم می‌سپارد تا دیالکتیک جدیدی را در تنظیم ساختار سیاسی ایران ایجاد کند؛ اگرچه هنوز هم بر سر ترکیب جمهوریت و اسلام و چرخه قدرت آن، بحث‌هایی جاری است (دماوندی کناری، ۱۳۹۶: ۱۵۴-۱۵۰).

نماد مقاومت جویی و خط استکبارستیزی

انقلاب اسلامی دکتترین دوستونی نیکسون و پیمان امنیتی سنتو را بر هم زد و روح انقلابی منطقه را از فیلپین و اندونزی تا مصر و مراکش بیدار کرد. خطر صدور انقلاب و بازپس‌گیری فلسطین، امریکا را بر آن داشت که با چراغ سبز رامسفلد، جاه‌طلبی صدام را در تجاوز به ایران برانگیزد. ارتش فروپاشیده ایران و اوضاع برهم‌ریخته داخلی، در فشار تحریم نفتی و تسلیحاتی، هشت سال جنگ نظامی را به ایران تحمیل کرد تا کشوری که توانایی ساخت سیم‌خاردار را هم نداشت، در سه دهه تبدیل به ابرقدرت نظامی منطقه شود. از یازده سپتامبر، ایرانی که افق امنیتش را در آتش و دود می‌دید، با تکثیر الگوی حزب‌الله، انصارالله و حشدالشعبی از طریق نیروی قدس، محوری از مقاومت شیعی در مقابل طرح خاورمیانه بزرگ غرب ترتیب داد. پس جنگ‌های نیابتی با پشتوانه هفت تریلیون دلاری، هدیه امریکا به منطقه شد تا ایران با چندده‌میلیون دلار هزینه، جبهه‌ای به نام مقاومت اسلامی ابداع کند که شبکه جهاد با خط استکبار باشد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۹-۲۸).

اندیشه، اسطوره، آرمان (آرمان مهدوی)

اندیشه‌های بومی و نگاه فقهی فلسفی

پس از انقلاب در فلسفه و عرفان، فقه و کلام، تفسیر و حدیث و اصول استنباط احکام دینی، پیشرفت‌های فراوانی صورت پذیرفته که مرهون توسعه کمی و کیفی پژوهشگاه‌های تخصصی است. ایران سرآغاز فلسفه و عرفان اسلامی و مبدأ اصول فقه و استنباط نوین جواهری است. از فارابی، ابن سینا، سهروردی، حیدر آملی، ملاصدرا تا علامه طباطبایی،

امام خمینی علیه السلام، شهید مطهری، علامه حسن زاده، جوادی و مصباح، همگی فحول صیانت از هویت فلسفه اسلامی و شکوفایی آن از فلسفه مشاء و اشراق تا نگاه متعالی وحدت وجودند. شارحان این اندیشه از نصر، فردید، همایی، بهشتی، شهابی، جعفری، انصاری، سبحانی و دینانی، متخصصانی اند که در تکمیل آوردهای فلسفه یونانی، روح عرفانی و منطوق وحیانی اسلام را با عقل بدیهی گره زده‌اند.

پس از انقلاب، این داشته‌ها با تأسیس مؤسساتی متعدد به مرکزیت قم، تبدیل به کانونی شد که ضمن اطلاع از تاریخ فلسفه غرب، به توسعه مطالعات تطبیقی، توسعه فلسفه‌های مضاف و نقد آثار نوین اندیشگی دست یافته است (فنايي اشكوري، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۱۱).

تحول در فقه از زمان شیخ طوسی، سپس ابن ادریس حلی و بعدها با روشنگری‌های مرحوم بهبهانی در برابر اخباریان انجام گرفت، که غایت خود را با ظهور نظرهای جسورانه امام خمینی علیه السلام در دخالت دادن زمان و مکان بر نتیجه نهایی حکم دید. امام علیه السلام با تبیین نظریه ولایت مطلقه فقیه، بایی اساسی در هدف نهایی فقه تأسیس کردند که فقه سیاست-مصلحت و عقیده، اجرای احکام اولی و ثانوی، درک ضرورت و اولویت، توجه به عرف اجتماعی، تبعات ثانوی عمل و ظرفیت درونی مکلف در فهم موضوع یا استنباط حکم را پررنگ ساخت. اوجب واجبات دانستن حفظ نظام و پرداختن به جایگاه ولی فقیه در جواز صدور حکم حکومتی، فرمان جهاد یا گسستن رشته ایمانی در صورت طعن و وهن ایشان، از مواردی بود که فقه جواهری را با دنیای وسیعی از مسائل روبه‌رو کرد. شکل‌گیری موضوعاتی چون تلقیح مصنوعی، پیوند اعضا، شبیه‌سازی، ارز دیجیتال، تجارت هرمی، روابط بانکی و کلان‌موضوعاتی چون جهانی شدن، سازمان‌های بین‌المللی، فضای مجازی، فمینیسم، دموکراسی و اجرای ارتداد و قصاص در دنیای جدید، پرسش‌هایی شدند که فقه معاصر را در اقتناع عموم مکلفان به تکاپو واداشتند (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۷۱-۱۴۱).

اسطوره‌های ملی و قهرمانان مذهبی

ایرانیان باستان اسطوره‌هایی چون میترا (خدای خورشید)، آناهیتا (خدای باران)، کاوه، جمشید، فریدون، رستم، آرش و نمادهایی چون هما، سیمرغ و ققنوس را الهام‌بخش

آفریدگار، خوشبختی، شجاعت و رادمردی می‌دانستند. با ظهور اسلام، شخصیت‌های برجسته اهل بیت پیامبر ﷺ جای‌گزین حقیقی افسانه‌های ایرانی شدند. عشق به اخلاق و عظمت محمد ﷺ، عدالت و مروت علی ﷺ، طهارت و نجابت فاطمه ﷺ، صبر و تدبیر حسن ﷺ و ایثار و رشادت حسین ﷺ، در تن و روح ایرانیان ریشه کرد؛ آن‌چنان‌که امید به حیات مهدوی و عشق به مرگ عاشورایی، آغاز و انجام شیعه شد. تذکر قرآن بر توسل به یک وسیله^۱ یا ریسمان^۲ محکم الهی، اطاعت از اولوالأمر^۳ رسول ﷺ و مودت به ذوی‌القربی ایشان،^۴ ضمن تأکید پیغمبر ﷺ به جدا نشدن از کتاب و عترت^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۹۴) به الگوبرداری ایرانیان از حیات فکری معصومان ﷺ انجامید (نکوئی سامانی، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۰۷).

می‌توان روحانیانی چون طباطبایی، امام موسی، بهشتی و بهجت، ورزش‌کارانی چون تختی، دایی، رضازاده و یزدانی، دانشمندانی چون حسابی، سمیعی، میرزاخان‌ی و فخری‌زاده، هنرمندانی چون فرش‌چیان، کلهر، مجیدی و کیارستمی، و سردارانی چون همت، چمران، متوسلیان و سلیمانی را نیز قهرمانان سالیان اخیر ایران دانست.

آرمان عدالت و اخلاق آزادگی

سفرنامه‌نویسانی چون شاردن^۶ در ذکر اخلاق معاشرت این سرزمین، ایرانیان را مردمانی نجیب و اخلاقی بر شمرده‌اند که ارزش‌های انسانی را بر منافع شخصی‌شان ترجیح می‌دهند. دال مرکزی جمهوری اسلامی نیز آرمان عدالت اجتماعی و آزادی از موانع رشد انسانی است. دستیابی به عدالت راستین جوهره شریعت ادیان الهی و خواست نهایی انقلاب ایران است که در توزیع امکانات مادی آن موفق بوده و در تحقق کاملش، عقب مانده است. توجه

۱. «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵).

۲. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل‌عمران: ۱۰۳).

۳. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹).

۴. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳).

۵. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أُمْرِينَ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَهْلَ بَيْتِي عَثْرَتِي»

6. Jean Chardin (1643-1713).

به آزادی نیز در بعد جمهوریت نظام کم‌رنگ شده، اما نسبت به گذشته آن، محسوس است (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۹: ۱۵).

علم و عمران (شکوفایی درونی)

تصاعد علمی و توسعه فناوری

ایرانیان چه در دوران باستان و چه در قرون شکوفایی اسلام، طلایه‌دار علم و دانش و سرآمد اختراعات و اکتشافات بوده‌اند. اما تجاوز، هرج و مرج و ناامنی در دوران حمله تیموری، مغولان، افغان‌ها، عثمانیان، روس‌ها و انگلیسی‌ها فرصت و انگیزه علمی را از آنان سلب کرد. با بروز احساس عقب‌ماندگی در دوره ناصری، تحرکاتی از سوی امیرکبیر و عباس میرزا شکل گرفت که اوج آن در مدرنیزاسیون پهلوی اول و همکاری‌های دانشگاهی پهلوی دوم بود. با تأسیس جمهوری اسلامی و حدوث انقلاب فرهنگی، ندای تازه‌ای در حوزه و دانشگاه به‌گوش رسید که توسعه تصاعدی مراکز علمی و نهضتی فراگیر از دانشجویان و حوزویان را نوید می‌داد.

کارنامهٔ چهل‌سالهٔ انقلاب در پیشرفت علمی درخشان است؛ چراکه با تجهیز و تأسیس ۱۰۰ هزار مدرسه، ۲۵۰۰ دانشگاه و هشتصد حوزه علمی، باسوادی را از ۴۷ به ۹۷ درصد رسانید و تعداد علم‌آموزان کشور را شصت‌برابری کرد. ایرانیان با ۱۲ میلیون دانش‌آموز، ۶ میلیون دانشجو، ۲۵۰ هزار طلبه و ۷۰ هزار استاد حوزه و دانشگاه، با تولید بیست و دو درصدی دانش بین کشورهای اسلامی و منطقه، مقام نخست را دارند. همچنین، با سهم دو و پنج‌دهم درصدی در تولید علم جهانی، مقام دوازدهم را کسب کرده‌اند و با نگارش ۳۰ هزار مقاله در سال، یازده برابر نورم جهانیان سرعت دارند. ایران توانسته در سال‌های اخیر، از طریق ایجاد ۱۲ هزار شرکت دانش‌بنیان و فراگیرسازی جنبش نرم‌افزاری خود، در صنعت نانو، بایو و بیوتکنولوژی، لیزر و صنایع هسته‌ای، شبیه‌سازی، پیوند اعضا و سلول‌های بنیادی، در میان پنج کشور پیش‌گام دنیا جای گیرد. همچنین، توانسته در ساخت ربات و پرتاب ماهواره هشتم، در صنایع هوافضا دوازدهم، در تسلیحات نظامی سیزدهم و در علوم سایبری، شیمی و ریاضی بین پانزده کشور اول جهان باشد. امروز ایران در تربیت مهندس سوم، در علوم عمرانی نهم و در زیست‌فناوری دوازدهم است و در علوم پزشکی با

تربیت ۱۲۰ هزار پزشک متخصص و عمومی و ۵۰ هزار دندان‌پزشک و داروساز، بر سکوی هفدهم دنیا ایستاده است (رکابیان، ۱۳۹۷: ۳۲-۱۰).

جهاد خودکفایی و نهضت سازندگی

با فرار شاه در دی‌ماه ۵۷، کشور پس از یک سده وابستگی و ناتوانی در تولید، به اراده‌ای نو مجهز شد تا به‌رغم جنگ و تحریم، با سرعت به‌سوی توسعه‌ای پایدار حرکت کند. بنابراین، در حمل‌ونقل، جاده‌های کشور از ۳۶ هزار به ۲۳۰ هزار کیلومتر، راه‌آهن از ۴/۵ به ۱۰ هزار کیلومتر، فرودگاه‌ها از ۳۰ به ۹۰ مورد، پایانه‌ها از ۱۰ به ۳۳۰ مورد، امداد و نجات جاده‌ای از ۵ به ۲۰۰ مورد، ناوگان هواپیمایی از ۲۵ به ۳۱۰ فروند، اسکله‌ها از ۳۱ به ۲۲۰ مورد و ظرفیت بنادر کشور از ۱۰ میلیون به ۲۴۰ میلیون تن در سال رسید. در آب و برق، سدهای مخزنی از ۱۴ به ۲۱۰ (تأمین نودوشش درصدی آب تصفیه‌شده مردم)، ظرفیت برق‌رسانی از ۶ هزار مگاوات به ۹۰ هزار مگاوات (پوشش نودونه‌درصدی روشنایی کشور)، در گاز، از ۵۰ هزار واحد به ۲۲ میلیون انشعاب گازی (۹۸ درصد جمعیت شهری) و اشتراک تلفن ثابت از ۸۵۰ هزار به ۵۲ میلیون خط توسعه یافت (گروهی اقتصادی، ۱۳۹۷: ۸۰-۷۷). در تولید، از ۵۴۰ میلیون به ۸۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی، در ناخالص ملی، از نود به ۶۰۰ میلیارد دلار، در نرخ رشد اقتصادی، از منفی ۳/۷ به مثبت ۴/۵ درصد در سال ۹۵ و امروز به منفی ۷ درصد، در حجم صادرات پتروشیمی، از ۱/۶ به ۶۰ میلیون تن در سال، در تولید فولاد خام از ۶۸۰ هزار به ۲۸ میلیون تن در سال و در خودرو، از ۱۵۰ هزار به حدود یک میلیون دستگاه در سال رسید و در تولید فراورده‌های نفتی مانند بنزین، خودکفا شد. در کشاورزی و دامداری، از ۲۵ به ۱۲۵ میلیون تن و ذخیره غذایی کشور از ۳۳ به ۳۰۰ روز در سال رسید. خودکفایی در تولید محصولات غذایی نیز به موفقیت نوددرصدی دست یافت. به‌علاوه در کاهش فقر، ضریب جینی از ۰/۴۶ به ۰/۳۶ در سال ۹۲ و امروز به ۰/۴۹، و شاخص توسعه انسانی نیز در سال ۹۹ با سرعت رشدی بالا از ۰/۵۷۰ به ۰/۷۹۷ رسیده است (سیاهپوش، ۱۳۹۹: ۸۷۹-۸۶۳).

آیین، فرهنگ، رسانه، خانواده (فرهنگ معنوی)

دیار یکتاپرستان و تکریم حیات امامان

ایرانیان از ۳۵۰۰ سال پیش یکتاپرست بودند و به تقدیس نیرویی نظم‌دهنده از ماورا در مهرآه‌های سنگی اهتمام داشتند. آنان ادیانی چون زروانی، زرتشتی و مزدیسنا را آیین اسطوره‌ای خود می‌دانستند؛ تا جایی که در شاهنامه، کیومرث برای انتقام خون سیامک، و فریدون برای جنگ با ضحاک به نیایش پرداختند (امینی مفرد، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۵۸). تأکید پیامبر ﷺ بر علم‌آموزی موجب شد جندی‌شاپور، شهر جی و حوزه اسکندریه، مأمندان دانشمندان مسلمان باشند و شخصیت‌هایی چون حسین بن روح نوبختی، شیخ مفید، صدوق، کلینی، طوسی و علامه حلی برای دعوت ایرانیان به اسلام به میدان آیند. شباهت در انتظار سوشیانت و مهدی ﷺ، ازدواج نوه پیامبر با دختر یزدگرد سوم و اهل بیت نامیدن سلمان فارسی از جانب رسول‌الله ﷺ بر محبت ایرانیان افزود. همچنین، سفر امام هشتم به خراسان در ولیعهدی مأمون عباسی و نامه ایشان در امر به مهاجرت ۱۳ هزار تن از نوادگان معصومان از جمله برادر و خواهر بزرگوار حضرت به ایران، سبب شد انتقال سیادت به این سرزمین و فرهنگ تکریم و توسل به خاندان عصمت، ابدی شود. شهر قم، ری و کاشان نیز با مهاجرت خاندان اشعری به این ناحیه، وجهه فقهی-حدیثی پیدا کرد و به تدریج در ایران خوانینی چون آل‌بویه، سربداران، طبری‌ها، اسماعیلی‌ها و ایلخانیان تولد یافتند تا از حقیقت شیعه دفاع کنند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۷۳-۲۶۱).

شکوه معماری فرش‌ها و موسیقی رنگ‌ها

کیفیت معماری هر سرزمین، تصویر حیات فرهنگی آن مردم است. معماری ایرانی از هزار ستون پرسپولیس و طاق کسرای ساسانی تا مسجد عباسی صفوی و نصیرالملک قجری، بیانگر ذات قدسی، ظرافت هنری و اعجاب مهندسی ایرانیان در خلق منحصر به فردترین سازه‌های تمدنی دنیاست. معماری ایرانی بر پایه تزئین، تعادل و کثرت‌های به وحدت رسیده بنا شده که با نقوش اسلیمی-انتزاعی ملهم از طبیعت، رنگ و لعابی چشم‌نواز را جلوه‌گر می‌شود. از خصوصیات این معماری، قرینه‌سازی‌های هندسی و منطبق ریاضیات عرفانی آن

است که در خلق گنبد، محراب، ایوان، دالان، شبستان، حوض و دلربایی کاشی‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای، گلدسته‌ها، سردرها، گچ‌بری‌ها، آینه‌کاری‌ها، تذهیب‌ها، شیشه‌رنگی‌ها و در و پنجره‌های مثبت‌کاری‌شده آشکار است (ممانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳-۳۸).

همچنین، غوغای گران‌بهای فرش ایرانی از قرن پانزدهم میلادی، جهان‌گردان اروپایی را در بهشت خود غرق کرده است. سابقه فرش ایرانی به قالی مکشوف در دره پازیریک روسیه بازمی‌گردد که در سده پنجم پیش از میلاد یافته شد. نقوش دل‌فریب گل‌های فردوسی فرش ایرانی با طرح‌واره‌های خاص ترنج و لچک، همچون اجرای سمفونی ارکستری است که فلسفه هنر ایرانی را از تاروپود رنگ‌هایش می‌سراید (اسدی، ۱۳۹۶: ۱۴۵-۱۴۱). هنر خطاطی ایرانی نیز از دوره تیموری تا گورکانی زبانزد هنرپژوهان بوده است.

در ایران و هند تا هشت نوع خط نگارش می‌شده که امروز نستعلیق، شکسته و معلا‌ی ایرانی نماینده زیباترین خطوط نگارشی جهان به‌شمار می‌روند. در موسیقی نیز ایرانیان دستگاه‌ها، نغمه‌ها و آوازهای سنتی خود را به‌رخ می‌کشند و سازهای موسیقایی چون نی، تار، تنبور، سنتور، کمانچه، چنگ، عود، دف، تنبک و دمام را در همخوانی با صدای بنان و بسطامی تا ناظری و قربانی، به سما می‌برند.

ساخت رسانه انسانی و سینمای وجدانی

آیت‌الله خامنه‌ای (علیه‌السلام) مردم بی‌سینما را ملت بی‌زبان می‌نامند (مرکز صهبا، ۱۳۹۰: ۴۸). فیلم‌ها روایتگر عواطف و اندیشه‌های بشری در تلاقی با حوادث‌اند. سینمای ایران از «گاو» و «قیصر» تا «یک حبه قند» و «بدون تاریخ بدون امضا»ی خود، با زبان اخلاق‌محور و معناگرایش، آلترناتیو لذت‌اندیشی و گزینه‌پرستی هالیوود بوده است. از عهد فیلم فارسی تاکنون، هنرمندان و آثار حائزتوجهی ایجاد شدند که چون «کلوزآپ» و «طعم گیلان» کیارستمی، «بچه‌های آسمان» و «خورشید» مجیدی و «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده» فرهادی محبوبیت جهانی دارند. اگرچه برخی آثار در محتوای خود با عناصر تمدنی ایران زاویه دارند، در ظرفیت‌های تبلیغی، رشد دستاوردهای فنی-هنری و ارتقای فرمی سینمای پس از انقلاب را گواهی می‌دهند. هویت رسانه‌ای ایران حتی در شبکه‌های

دریافت نقش آفرینی انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی... محمد جلیلی (۱۲-۴۱) / ۳۵

تلویزیونی پرس، المنار، آی فیلم و اسپان تی وی، نماد وجدان از بیان انسان معنوی است که در کنار سنت هایش، دنیای متجدد را نقد می کند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۲).

تکریم نقش زنان و خانواده محوری

برخلاف دوره پهلوی که زنان ایرانی را در خانه یا اجتماع بین انجام تمایلات رفاهی و جنسی مردان مخیر می ساختند، زن در انقلاب اسلامی هویتی مستقل دارد که نمی گذارد شخصیتش را قربانی جنسیتش کنند. او از سه گونه مسئولیت فردی، خانوادگی و اجتماعی برخوردار شد که علاوه بر فتح قله های علمی، هنری، ورزشی و سیاسی، خود را از تجربه ازدواج و مادری و ساخت محیطی سالم در رشد فرزندان آینده محروم نگه نمی دارد (سمواتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۴).

در اینجا به جمع بندی مباحث و بررسی مؤلفه های یادشده در نتیجه تحقیق می پردازیم.

نتیجه‌گیری

جدول ۴: بازنمایی تأثیر انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی ایران

بررسی نقش انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی ایران			
شماره	مضامین فراگیر	مؤلفه‌های تمدن‌ساز در مضامین بیانیه گام دوم	نقش انقلاب اسلامی (تحلیل کیفی نتایج متنی بازتولید عناصر ۱۵ گانه در بیانیه گام دوم)
۱	تاریخ، سرزمین و زبان (هویت تاریخی)	قلب اتصال جهان و کانون ذخایر انرژی	بازتولید روابط همسایگی بر اساس اشتراکات هویتی و استقلال در تحصیل دارایی‌های نفتی، ضمن توجه به ظرفیت‌های ارتباطی، جغرافیایی و اقلیمی
۲		سرزمین آئین باستانی و سنت‌های دینی	حفظ سنن آئینی چون نوروز، روز طبیعت و شب یلدا و تکمیل آن با تقویم افتخارآفرینان ملی و مناسبات عیدانه و سوگواره مذهب شیعی
۳		زبان هویت‌بخش فارسی و شعرای جهانی	حفاظت از گویش ملی با تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و آموزش بین‌المللی آن، ضمن توجه به شعر آئینی و ادبیات پایداری
۴	سیاست، حکومت و امنیت (مقاومت انقلابی)	الگوی سیاسی و تبیین نظریه ولایت‌فقیه	تبیین نظریه ولایت‌فقیه و پایان بخشی به سلطنت استبدادی و سکولار از طریق تنظیم ساختار قانونی و تثبیت کارآمدی مذهب در حکومت
۵		مردم‌سالاری دینی و نظام جمهوری اسلامی	تنظیم نظام نوین ملک‌داری بر پایه مردم‌سالاری دینی و انتخاب مستقیم یا پارلمانی جمهور مردم، ضمن تفکیک قوا، نظارت و مشارکت عمومی
۶	اندیشه‌های بومی و نگاه فقهی فلسفی	نماد مقاومت جویی و خط استکبارستیزی	تفویت نظامی و تشکیل جبهه مقاومت اسلامی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه چون ملت مظلوم فلسطین و تقابل با سلطه‌گران جهانی
۷		اندیشه‌های بومی و نگاه فقهی فلسفی	تفویت ظرفیت نقد و نظر اندیشگری و توسعه علوم انسانی اسلامی، ارتقای کمی و کیفی حوزه و دانشگاه، و پاسداری از فقه شیعی و فلسفه صدرایی
۸		اسطوره و آرمان (آرمان مهدوی)	حفظ ارزش‌های هنجاری و اخلاقی معطوف به اسطوره‌های باستانی، بسط معارف عمیق انسانی، تبیین شخصیت‌های ملی و مذهبی تاریخ معاصر ایران
۹	علم و آبدانی (شکوفایی درونی)	آرمان عدالت و اخلاق آزادگی	برجسته‌سازی آرمان عدالت‌خواهی و آزادی‌گرایی جهانی مبتنی بر معنویت حقیقت و فطرت، ضمن صیانت از اقتضائات موقعیتی و ارزش‌های قومی
۱۰		تصاعد علمی و توسعه فناوری	تشکیل نهضت نرم‌افزاری و شرکت‌های دانش‌بنیان در رشد تصاعدی علم و فناوری و ارتقای بی‌نظیر دانش، دانشجو، دانشگاه و سطح سواد در کشور
۱۱	دیار یکتاپرستان و تکریم حیات امامان	جهاد خودکفایی و نهضت سازندگی	تلاش بی‌بدیل در رفع وابستگی اقتصادی و حرکت به سوی رفع انواع وابستگی‌های تکنولوژیک و توسعه زیرساخت‌های ملی با نیروی داخلی
۱۲		دیار یکتاپرستان و تکریم حیات امامان	بسط فرهنگ زیارت و احیای مساجد، حسینیه‌ها، امامزادگان و حریم و حرم مطهر امامان(ع)، ضمن توجه به معنویت عمومی و نمادهای مذهبی
۱۳	آئین، فرهنگ، رسانه و خانواده (فرهنگ معنوی)	شکوه معماری فرش‌ها و موسیقی رنگ‌ها	صیانت نسبی و آموزش دانشگاهی معماری اسلامی، حفظ ابناء تاریخی، کمک به رشد صنایع بومی، هنرهای مستقره بومی، آواز و غذای ایرانی
۱۴		ساخت رسانه انسانی و سینمای وجدانی	توسعه کمی کیفی ظرفیت‌های رسانه‌ای تلویزیون، رادیو، سینما، تئاتر و هنرهای نمایشی، تولید گسترده فیلم و سریال‌های مؤید فرهنگ تمدنی
۱۵	تکریم نقش زنان و خانواده محوری	تکریم نقش زنان و خانواده محوری	صیانت از جایگاه خانواده و اصلاح نگاه به شخصیت دختران، زمینه‌سازی در رشد تحصیلی، آموزش‌های تربیتی اخلاقی و ارتقای نقش اجتماعی زن

(منبع: یافته‌های پژوهش)

پرسش اصلی عبارت از آن بود که عناصر تمدن‌ساز ایرانی چیست و آیا انقلاب اسلامی در ایجاد و تقویت آنها مؤثر نموده است؟ پس فرضیه را بر تأثیر مثبت می‌نهیم و توصیف آن را بدین‌گونه پایان می‌بخشیم: با ظهور انقلاب، هویت پای‌مال مسلمانان پس از جنگ‌های شش‌روزه و نقش ایدئولوژیک ایران به نحوی احیا شد که دیگر اتخاذ تصمیمات منطقه بی‌خواست آن، میسر نبود. هویت ایرانی در تکامل تاریخی خود، تئوری ولایت بر امت را جای‌گزین سلطنت بر اقوام کرد تا ضمن تکیه بر ریشه‌های سرزمینی، از تعصب‌ورزی نژادی به ارزش‌مداری اخلاقی برسد. بنابراین، بحران هویت ایرانیان زمانی حدوث می‌یابد که در عناصر ملی-مذهبی آنان خللی بروز کند (اشرف، ۱۳۷: ۵۴۶). آنچه انقلاب اسلامی را در توجه به خصوصیات تمدنی همچون دوران صفوی حائز اهمیت نموده، شیعه‌اندیشی و ملت‌سازی ناشی از آن است که به شکوفایی فرهنگی-اقتصادی ایران انگیزه می‌دهد. انقلاب خودباوری و معنویت را در جنگ نظامی و تحریم اقتصادی احیا کرد و کاتالیزور جهش‌یابی در علم و عمران و امید و ایستادگی بر منافع ملی در قبال ابرقدرتان است. اعتماد به شخصیت الهی امام علیه السلام تغییر در ساختار سلطنتی به مردم‌سالاری دینی را جرئت بخشید و حاکمیت ولیّ فقیه متکی به آرای عمومی را بر پذیرش طاغوت و کرنش در برابر استبداد، برتری داد. امنیت را به‌رغم تشدید تعاند، با تقویت ایمان فردی و خلاقیت نظامی بالا برد و دین‌ستیزی و باستان‌گرایی را با انقلاب رفتاری و اسطوره‌مداری دینی در هم شکست. برای زبان و شعر پارسی، ادبیات مقاومت و پایداری تدارک دید تا سیمرخ افسانه‌ای شاهنامه را در گلستان حقیقت‌خواهی و عبرت‌آموزی مثنوی بیامیزد. حکمت متعالی را به وحدت اقوام اسلامی بدل کرد و روایت سینمای ایرانی را به حقیقت انسانی سپرد. تز کالامحوری جنسی را به آنتی‌تز شخصیت‌سالاری زنانی بدل کرد که علاوه بر سرآمدی در آزمون‌های اجتماعی، در آگاهی‌بخشی نسل‌هایی آگاه موفق‌اند.

در این تحقیق، ضمن پانزده عنصر تمدنی که از تحلیل مضمونی بیانیه گام دوم استخراج شد، فرضیه پژوهش به تأیید کیفی رسید؛ چراکه انقلاب اسلامی در یکایک عناصر مذکور، موجب حرکت، صیانت، تقویت و تکمیل است. همچنین، ضعف در پیشبرد عدالت، اخلاق، اقتصاد و رسانه نیز نسبت به آرمان مطلوب و احتساب شرایط دشوار در تحمل

نقصان‌های داخلی و موانع خارجی برآورد می‌شود؛ خصوصیات که ابقا و نمودشان، منوط به تداوم حیات انقلاب اسلامی و کارکرد نظام سیاسی-اجتماعی ایران در عناصر تمدنی آن است.

کتابنامه

- احمدی، سیدعباس و همکاران (۱۳۹۳). «تبیین زمینه‌ها و مؤلفه‌های جغرافیایی-فرهنگی ظهور و فراگیری مذهب تشیع در ایران»، جغرافیا، ج ۴۱، ش ۱۲، ص ۲۵۷-۲۷۸.
- اسدی، شهام (۱۳۹۶). «بررسی ارکسترایون و پهنه‌بندی سطوح در فرش ایرانی»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، ج ۶، ش ۲، ص ۱۳۵-۱۵۵. اشرف، احمد (۱۳۷۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، ایران‌نامه، ج ۴۷، ش ۱۲، ص ۵۲۱-۵۵۰.
- افشاری اصل، ایرج (۱۳۹۰). «بررسی مؤلفه‌های دینی در شکل‌گیری آیین‌ها و نمایش‌گونه‌های ایرانی»، نمایش، ج ۱۴۹، ش ۱۳، ص ۱۰۱-۱۰۵.
- امینی مفرد، تقی (۱۳۸۳). «بررسی تطبیقی نیایش در آیین‌های ایرانی با نیایش در اسلام»، ادبیات فارسی، مشهد، دانشگاه آزاد مشهد، ج ۱-۲، ش ۰، ص ۱۵۱-۱۷۵.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۸۹). «نوگرایی در فقه شیعه»، کتاب نقد، ج ۵۴، ش ۱، ص ۱۴۱-۱۷۴.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۲). ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران، ویستار.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری نژاد، سیدابوالفضل (۱۳۸۶). «نفوذ فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی در فرهنگ و هویت ملی هندوستان و شبه‌قاره»، نامه پارسی، ج ۴۲، ش ۱۲، ص ۹۷-۱۲۰.
- جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۹). «اسلامیت، عدالت، آزادی: دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی»، زمانه، ج ۹۶، ش ۹، ص ۱۵-۱۵.
- حاج‌سیدجوادی، حسن (۱۳۴۹). «تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر روی زبان و ادبیات سایر ملل»، هنر و مردم، ج ۹۸، ش ۱، ص ۲-۹.
- خزاعی، علی و همکاران (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های نیل به تمدن نوین اسلامی در آثار و اندیشه امامین

- دریافت نقش آفرینی انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی... محمد جلیلی (۴۱-۱۲) / ۳۹
- انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ج ۲۹، ش ۲۹، ص ۲۹-۵۲.
- دماوندی کناری، علی (۱۳۹۶). «بررسی منازعه قدرت در ساختار جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش ملل، ج ۲۴، ش ۲، ص ۱۴۳-۱۵۵.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۱). تاریخ تمدن، ترجمه حسین کامیاب، محمدامین علیزاده و لیلا زارع، تهران، انتشارات بهنود.
- _____ (۱۳۷۸). مشرق‌زمین؛ گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، عسکری پاشائی و امیرحسین آریانپور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رشادتی، محمدمهدی (۱۳۸۶). «حکومت مبتنی بر نظریه ولایت فقیه از منظر امام خمینی»، انسان‌پژوهی دینی، ج ۱۳-۱۴، ش ۴، ص ۳-۲۰.
- رکابیان، رشید (۱۳۹۷). «دستاوردهای آموزشی و علمی چهل‌ساله انقلاب اسلامی»، مطالعات انقلاب اسلامی، ج ۵۵، ش ۱۵، ص ۷-۳۴.
- زارعی، اسداله و همکاران (۱۳۹۸). «روایت ایرانی و تقلید از روایت غربی در سینمای ایران»، باغ نظر، ج ۷۳، ش ۱۶، ص ۵۳-۶۴.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶). کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
- سمواتی، زهرا و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیلی بر جایگاه زن و خانواده در برنامه‌های توسعه‌ای در اسناد فرادستی نظام»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ج ۳۰، ش ۸، ص ۴۹-۶۸.
- سیاهپوش، امیر (۱۳۹۹). «بررسی دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی ایران»، سیاست، ج ۵۵، ش ۵۰، ص ۸۶۱-۸۸۱.
- فناپی اشکوری، محمد (۱۳۸۸). «فلسفه اسلامی در ایران معاصر»، حکمت اسراء، ج ۲، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۴۴.
- فولر، گراهام ای. (۱۳۷۳). قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷). «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی»، آفاق امنیت، ج ۳۸، ش ۱۱، ص ۵-۳۳.

شاذلی قطب (سید قطب)، سیدابراهیم حسین (۱۳۷۸). نشانه‌های راه، ترجمه محمود محمودی، تهران، نشر احسان.

کرمانی، طوبی (۱۳۷۸). «ماهیت و معیارهای گفت‌وگوی تمدنی»، قبسات، ج ۱۴، ش ۴، ص ۱۰۴-۱۱۱.

کلانتری، ابراهیم و میثم بلباسی (۱۳۹۷). «مدل‌های حکومت قابل طرح بر اساس نظریه ولایت فقیه با تأکید بر اندیشه علمای شیعه از عصر صفویه تا دوره معاصر»، جستارهای سیاسی معاصر، ج ۳۰، ش ۹، ص ۱۰۳-۱۳۲.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷). الکافی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۹۴. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی. گروه اقتصادی (۱۳۹۷). «دستاوردهای انقلاب اسلامی»، بازار و سرمایه، ش ۱۰۶، اسفند، ص ۷۷-۸۰.

گل‌افروز، محمد (۱۳۹۴). «نقش ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست جهانی، ج ۱۳، ش ۴، ص ۱۹۹-۲۲۴.

لوبون، گوستاو (۱۳۹۴). تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، بدرقه جاویدان.

لوکاس، هنری استیون (۱۳۸۳). تاریخ تمدن: از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، سخن.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵). «ایران: تمدنی کهن و ملتی جدید (۱)»، سیاست داخلی، ج ۱، ش ۱، ص ۱۴۶-۱۱۷.

مرکز صهبا (۱۳۹۰). دغدغه‌های فرهنگی: شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ با استفاده از دیگر بیانات معظم‌له، تهران، مؤسسه ایمان جهادی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۸۷). مجموعه آثار، تهران، صدرا.

ممانی، حمید و همکاران (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی و نقش هویت‌بخش تزئینات»، هنر و تمدن شرق، ج ۲۱، ش ۶، ص ۳۷-۴۶.

دریافت نقش آفرینی انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی... محمد جلیلی (۱۲-۴۱) / ۴۱

میرحیدر، دره (۱۳۴۳). «اهمیت سیاسی موقعیت جغرافیایی ایران»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ج ۴۵، ش ۱۲، ص ۸۳-۱۰۳.

نبئی، ابوالفضل (۱۳۶۱). «نوروز ایرانی در تقویم اسلامی»، جستارهای نوین ادبی، ج ۶۰، ش ۱۵، ص ۷۳۸-۷۰۳.

نصر، سیدحسین (۱۳۷۴). «برخورد تمدن‌ها و سازندگی آینده بشر»، در: نظریه برخورد تمدن‌ها (هانتینگتون و منتقدانش)، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۲۱-۱۴۰.
نکوئی سامانی، مهدی (۱۳۹۵). «محوریت اهل بیت در وحدت اسلامی»، فرهنگ زیارت، ج ۲۷، ش ۷، ص ۱۰۳-۱۲۰.

هانتینگتون، سمیئول (۱۳۷۸). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران: از پیدایش تا شکوفایی، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

Arberry, Arthur John (1953). *The Legacy of Persia*, London, Oxford Clarendon Press.

Attride-Stirling, Jennifer (2001). "Thematic networks: An analytic tool for qualitative research", *Qualitative Research* 1 (3), p. 385-405.

Blacksell, Mark (2006). *Political Geography*, London, Routledge.

Louis, Peter (1979). *The Persian Priucee*, London, Templeton.

Wilkinson, J. C. (1975). "The Julanda of Oman", *Journal of Oman Studies*, p. 97-108.